

دکتر کریگ کینر، متیو، سخنرانی ۱۶

متی ۲۳-۲۴

کریگ کینر و تد هیلدبرانت © ۲۰۲۴

این دکتر کریگ کینر است که در حال تدریس در مورد کتاب متی است. این جلسه ۱۶، متی ۲۳-۲۴ است.

عیسی در ملاء عام با فریسیان و صدوقیان بحث می‌کرد.

خب، حالا عیسی قرار است به طور خاص‌تر به شاگردانش و هر کس دیگری که گوش می‌دهد، بگوید که این فریسیان و دیگر رهبران واقعاً چه می‌گویند. در متی فصل ۲۳، او قرار است کاتبان و فریسیان را به باد انتقاد بگیرد. او قرار است از داوری قریب‌الوقوع بر نهاد مذهبی صحبت کند و در نهایت درباره معبد و بنابراین نهاد معبد صحبت کند.

، ظهور اول، فریسیان، کاتبان و معبد، همگی در سال ۷۰ میلادی، زمانی که اورشلیم و معبد نابود می‌شوند تحت داوری قرار خواهند گرفت. اما عیسی قرار است فراتر از این برود و درباره ظهور دوم صحبت کند. و این هشدارها همچنین به این معنی است که ما آن هشدارهای اول را در نظر می‌گیریم و آنها را در مورد نهاد مذهبی زمان خودمان به کار می‌بریم و به خودمان نگاه می‌کنیم.

خادمان حرفه‌ای که به گوسفندان اهمیت نمی‌دهند، فصل ۲۴ آیات ۴۵ تا ۵۱، نیز داوری خواهند شد. بنابراین، فریسیان، این فقط چیزی نیست که از روی علاقه تاریخی به ما بگویند، خب، فریسیان اشتباه کردند. این همچنین چیزی است که خودمان را به چالش بکشد، تا ما را وادار کند به خودمان نگاه کنیم و بگوییم، مانند آنها رفتار نکنید.

مطمئن شوید که ما قوم خدا را دوست داریم و به شیوه‌ای که شایسته است به قوم خدا خدمت می‌کنیم. عیسی دین را برای نمایش به چالش می‌کشد. این در چارچوب خصومت رهبر اورشلیم است.

بخش زیادی از آن از باب ۱۲ انجیل مرقس آمده و برخی از این موارد نیز در باب ۱۲ انجیل مرقس آمده است. خاخام‌های بعدی و برخی از آنها نیز از باب ۱۱ انجیل لوقا آمده است، خاخام‌های بعدی ریاکاری را محکوم کردند. آنها متوجه شدند که در اسرائیل ریاکاری وجود داشته و ریاکاری فریسیان را محکوم کردند.

، در واقع، ربه‌ها این سنت را داشتند، شما آن را بارها در نوشته‌های آنها که برای ما حفظ شده است می‌بینید. آنها این سنت را در مورد هفت نوع مختلف فریسی داشتند. تنها نوع خوب فریسی، فریسی بود که از روی عشق به خدا یا ترس از خدا به خدا خدمت می‌کرد.

اما انواع دیگری از فریسیان با انگیزه‌های دیگری به خدا خدمت می‌کردند. و بنابراین، آنها در مورد این نوع فریسی به نام فریسی خونین یا کبود صحبت می‌کردند. این فریسی با چشمان بسته راه می‌رفت و مدام به چیزهایی برخورد می‌کرد و بنابراین خود را کبود می‌کرد، مبدا که به طور تصادفی به زنی نگاه کند و به او شهوت راند.

بنابراین، در سنت یهودی، نوعی اذعان به ریاکاری فریسیان و ریاکاری دیگران وجود داشت. یادم می‌آید یک بار وحشت‌زده شدم وقتی فهمیدم که یک کشیش خاص مرتکب زنا شده است و یکی از اعضای جماعتش گفت: «کجا بودی؟ تو از دنیای واقعی بی‌خبری. خدا نکند که این در دنیای واقعی عادی باشد».

اما افرادی هستند که در گناه زندگی می کنند و از نام خداوند استفاده می کنند. و این در زمان عیسی نیز صادق بود. و عیسی ریاکاری را محکوم می کند.

اختلافات درون یهودی وجود داشت. شما آنها را در طومارهای دریای مرده، در عزرای چهارم، باروک دوم و غیره پیدا می کنید. و مبادا فکر کنیم که عیسی خیلی تند می رود، بعضی ها گفته اند که خب، متی ۲۳ ضد یهودی است.

این کتاب ضد یهودی نیست. اگر می خواهید چیزی ضد یهودی بخوانید، یوسفوس در اثر خود علیه آپیون، تهمت های ضد یهودی از آپیون را گزارش می دهد. و آپیون انواع و اقسام حرف های بد را در مورد موسی می گوید و می گوید دلیل خروج این بود که یهودیان جذام داشتند و مصر فقط می خواست از شر آنها خلاص شود.

او یهودیان را بت پرست می نامد و از پرستش سر الاغ در معبد صحبت می کند. همه این تهمت های ضد یهودی وجود داشت. اما در مقابل، اختلافات درون یهودی وجود داشت که در آن برخی از گروه های یهودی، برخی دیگر از گروه های یهودی را محکوم می کردند.

منظورم این است که شما به انبیا نگاه می کنید، به عاموس نگاه می کنید، به هوشع نگاه می کنید. من هوشع را با قلب خدا، عشق خدا دوست دارم. اما هوشع، عاموس، ارمیا، و خدا در این کتاب ها با قوم خود بسیار سختگیرانه، بسیار خشن، بسیار محکم صحبت کرد.

و شما شاهد لفاظی های مشابهی در میان برخی از گروه های یهودی بودید که دیگر گروه های یهودی را محکوم می کردند. طومارهای دریای مرده اساساً می گویند که ما جامعه ی عهد خدا هستیم. ما تنها بازماندگانی هستیم که هنوز به خدا خدمت می کنیم.

بقیه ی اسرائیل مرتد هستند. و آنها در واقع، در یک جا، فکر می کنم در سرودهای قومران است، بقیه ی اسرائیل را جماعت بلیال، جماعت شیطان می نامند. این لحن تندی است.

و آن یهودی بود. خب، عیسی یهودی بود. می توانیم بگوییم که عیسی یهودی است.

عیسی یهودی است، و شاگردانش یهودی بودند، و او داوری را اعلام می کرد، همانطور که پیامبران چنین کردند. با این حال، متی رهبران ظهور اول را به عنوان هشدار برای ما که امروز رهبران قوم خدا هستیم، به کار می برد. فریسیان چه کسانی بودند؟ خب، بحث هایی در مورد اینکه این اصطلاح از کجا آمده است وجود دارد.

احتمالاً این اصطلاح به معنای جدایی طلبان است. آنها با افرادی که اول از غذایشان عشر نمی پرداختند، غذا نمی خوردند. آنها به خاطر تفسیرهای دقیقشان از تورات شناخته می شدند.

زمانی آنها قدرت سیاسی را در زمان سالومه الکساندرا در دست داشتند، که مربوط به چند قرن قبل بود. اما اکنون قدرت سیاسی در دست هیرودیان و به ویژه صدوقیان بود. صدوقیان، که بیشتر اعضای اشراف کاهنان بودند، به صدوقیان تعلق داشتند.

صدوقیان با هیروود کبیر روابط خوبی داشته اند. بنابراین، احتمالاً در این دوره، بیشتر اعضای شورای عالی یهود از صدوقیان تشکیل شده بود. فریسیان احتمالاً در آنجا اقلیت بودند، اگرچه برخی از فریسیان بسیار بانفوذ مانند غمالائیل اول نیز وجود داشتند.

خب، در واقع، غملائیل اول. فقط دارم سعی می‌کنم فکر کنم که آن شخص در کدام دوره بوده است. فریسیان در میان مردم نفوذ داشتند.

البتّه، گاهی اوقات مردم به هر دلیلی از کسی که در قدرت است خوششان نمی‌آید. اما آنها در بین مردم نفوذ داشتند. برخی از آنها در طبقه اشراف بودند.

احتمالاً روی هم رفته فقط حدود ۶۰۰۰ نفر از آنها در تمام یهودیه و جلیل وجود داشتند، ۶۰۰۰ فریسی بنابرین، آنها حتی ۱٪ یا احتمالاً نزدیک به ۱٪ از کل جمعیت نیستند. یوسفوس کسی است که رقم ۶۰۰۰. نفر را به ما می‌دهد و او هرگز کسی نیست که اعداد را دست کم بگیرد.

بنابراین، آنها تنها یک جنبه از یهودیت اولیه بودند. آنها یهودیت هنجاری نیستند. کاری که فریسیان انجام می‌دهند به این معنی نیست که همه یهودیان نیز همین کار را می‌کنند.

اما آنها معمولاً دیدگاه‌های مردم را منعکس می‌کردند. این یکی از دلایلی بود که آنها در بین مردم محبوب بودند. آنها ضد صدوقیان بودند، اما مجبور بودند با صدوقیان همکاری کنند.

و ما گاهی اوقات در انجیل‌ها، و گهگاه، می‌بینیم که آنها با صدوقیان علیه عیسی همکاری می‌کردند. آنها مجبور بودند با صدوقیان همکاری کنند زیرا صدوقیان به کمک آنها در امور مردم نیاز داشتند و فریسیان نیز، وقتی نیاز به انجام کاری سیاسی داشتند، به کمک صدوقیان نیاز داشتند. عیسی از رهبران انتقاد می‌کند، و رهبران تلافی می‌کردند، ۲۳.۱.

این یک چالش کلامی بود. این چالشی برای آبروی آنها بود. واژگون کردن میزها در معبد، چالشی برای آبروی نخبگان کاهنی نیز بود، زیرا آنها... باز هم، این همه کاهنان نیستند.

در واقع، کاهنان ممتاز، عسرهایی را که متعلق به کاهنان پایین‌تر بود، تصاحب کردند و بسیاری از آنها را در نسل بعدی از مقام کاهنی برکنار کردند. همه موافق بودند که کاهنان ممتاز فاسد هستند. فریسیان نیز با این موضوع موافق بودند.

افرادی که طومارهای دریای مرده را نوشته‌اند با این موضوع موافق بودند. یوسفوس نیز با این موضوع موافق بود. و نویسندگان انجیل‌ها و اعمال رسولان نیز با این موضوع موافق بودند.

اما در هر صورت، این رهبران فاسد، حتی اگر فاسد هم نبودند، مسئله آبرو بود. منظورم این است که آبروی آنها با واژگون کردن میزها در معبد، با این اختلال در معبد، به چالش کشیده شد. آبروی آنها با نحوه انتقاد. علی عیسی از آنها به چالش کشیده شد.

آنها احساس می‌کردند که قرار است بیشترین احترام را داشته باشند. و فریسیان نیز... منظورم این است که آنها به اندازه صدوقیان مقام بالایی نداشتند، اما آنها نیز این را به عنوان یک چالش کلامی در نظر می‌گرفتند. عیسی می‌گوید که رهبران مذهبی باید طبق آنچه تعلیم می‌دهند زندگی کنند، آیات دو و سه.

خب، در اصل، فریسیان قطعاً با این موافق بودند. او می‌گوید، کسانی که بر مسند موسی نشستند حرف‌های او را می‌شنوند، اما کاری را که او انجام می‌دهد، انجام نمی‌دهند. اخلاق آنها روی کاغذ بهتر از روشی بود که همیشه در عمل به آن عمل می‌کردند.

حال، در اخلاق فریسیان، شما باید با خودتان به همان اندازه که با دیگران مهربان یا سختگیر هستید، رفتار کنید. اما عیسی می‌گوید که آنها بارهایی را بر دوش دیگران می‌گذارند که با یک انگشت خود هم نمی‌توانند آنها را بلند کنند. منظور از اینکه آنها در جایگاه موسی نشستند چیست؟ برخی گفته‌اند که منظور همین جایگاه خاص در کنیسه، در معبد است.

در واقع، تعدادی از محققان این را گفته‌اند زیرا باستان‌شناسان نشان داده‌اند که این جایگاه خاص افتخار در تعدادی از کنیسه‌ها وجود داشته است. مشکل این است که ما نمی‌دانیم که آن جایگاه، جایگاه موسی نامیده می‌شد. چیزی که می‌دانیم این است که نشستن بر روی جایگاه کسی اغلب نشانه‌ای از جانشینی کسی بود.

بنابراین، عیسی از فریسیان به عنوان کسانی که بر مسند موسی نشسته‌اند، کسانی که ادعای جانشینی موسی را دارند، صحبت می‌کند. آنها ادعا می‌کنند که مفسران دقیقی از شریعت هستند. آنها می‌گفتند که سنت‌های خود را به صورت شفاهی از موسی دریافت کرده‌اند، اگرچه این درست نبود، اما این چیزی بود که آنها می‌گفتند.

اما بسیاری از اصول اخلاقی آنها درست بود. و عیسی می‌گوید شما می‌توانید با آنها زندگی کنید، اما نه با الگو. قرار دادن آنها در آیه پنجم، رهبران مذهبی نباید به دنبال نشان افتخار باشند.

خب، وقتی سخنوران یونانی فن خطابه را طبقه‌بندی می‌کردند، یکی از انواع سخنوری، فن خطابه مبتذل بود. و این شامل ستایش و سرزنش می‌شد. در اینجا، عیسی بر سرزنش تمرکز می‌کند.

خودستایی در دنیای باستان توهین‌آمیز بود. برای آن باید بهانه‌های خاصی می‌آوردید. اما راه‌هایی وجود داشت که مردم می‌توانستند خودشان را خوب جلوه دهند، بدون اینکه واقعاً بگویند من بهترین هستم.

فیلسوفان نوع خاصی از لباس را می‌پوشیدند که آنها را از دیگران متمایز می‌کرد. ظاهراً فریسیان نیز چنین کاری می‌کردند. عیسی از آنها صحبت می‌کند که فالگیرهای بسیار آشکاری درست می‌کردند.

فیلاکتری، اصطلاحی یونانی است. برای پر کردن جای خالی، اصطلاح عبری است. تثنیه ۶ می‌گوید که شما باید احکام خدا را بر پیشانی و دست خود بنویسید.

شاید این به معنای مجازی آن بوده باشد، اما خیلی قبل از این دوره، بسیاری از یهودیان شروع به انجام آن به معنای واقعی کلمه کرده بودند، برخی از احکام را در جعبه‌ای قرار می‌دادند که روی سر و دست خود می‌گذاشتند. و همچنین، آنها یک مزوزا (نوعی زیورآلات) را روی چارچوب در قرار می‌دادند. هیچ اشکالی در این مورد وجود ندارد.

این روشی برای یادآوری حفظ تورات است. اما مشکل این بود که آنها این کار را به شیوه‌ای آشکار انجام می‌دادند تا توجه دیگران را به این نکته جلب کنند که چقدر پرهیزگار هستند. عیسی همچنین از آشکار کردن حاشیه‌های چهار گوشه ردای یرونی آنها صحبت می‌کند، جایی که به آنها تزئینات، یعنی منگوله‌ها، گفته می‌شود.

آنها می‌خواستند همه ببینند که چقدر از نظر مذهبی این فرمان از کتاب اعداد را رعایت می‌کنند. رهبران مذهبی نباید به دنبال احترام باشند، آیه ۶. در دوران باستان تأکید زیادی بر نحوه نشستن وجود داشت. بزرگان بهترین صندلی‌ها را می‌گرفتند.

بعضی از کنیسه‌ها یک سکوی مرتفع، یک بلندگو داشتند و افراد مهم‌تر و دارای جایگاه اجتماعی در آنجا می‌نشستند. در کنیسه‌هایی که مردم روی زمین می‌نشستند، بسیاری از آنها نیمکت داشتند، اما در کنیسه‌هایی که مردم روی زمین می‌نشستند، افراد دارای جایگاه اجتماعی بالاتر، صندلی‌هایی را که روی زمین نبود، می‌گرفتند. در محافل یونانی، در ضیافت‌ها، افراد اغلب بر اساس رتبه می‌نشستند.

در طومارهای دریای مرده، افراد قطعاً بر اساس رتبه و مقام می‌نشستند، و اگر از رتبه خود خارج می‌شدید ممکن بود به دردسر بیفتید. نشستن بر اساس رتبه و مقام بسیار آشنا و بسیار رایج بود. خب، دنبال بهترین صندلی برای خودتان نباشید.

به این فکر می‌کنم که چطور امروزه در کلیساهایمان، گاهی اوقات کشیشان را روی سکو قرار می‌دهیم. خب اگر کشیشان کاری انجام می‌دهند و راحت‌تر می‌توانند به جایی بروند که همه بتوانند شما را ببینند، این یک کارکرد دارد. اما اگر ما این را می‌خواهیم تا همه به ما احترام بگذارند، این چه چیزی را در مورد قلب‌های ما نشان می‌دهد؟ گاهی اوقات شما در یک محیط کلیسایی هستید که مردم باید کمی بیشتر به رهبران کلیسا توجه کنند، و بنابراین دلیلی برای این کار وجود دارد.

اما اگر این کار را به خاطر غرور و خودبزرگ‌بینی انجام می‌دهیم، درست نیست. عیسی همچنین در آیات ۷ تا ۱۱ اشاره می‌کند که رهبران مذهبی نباید به دنبال عناوین افتخاری برای خود باشند. حکیمان بر فروتنی تأکید ۱۱ داشتند، اما همچنین معتقد بودند که باید افتخارات ویژه‌ای دریافت کنند.

آنها همچنین معتقد بودند که مردمی که در خیابان از کنارشان رد می‌شوند باید ابتدا به آنها سلام کنند، زیرا به عنوان حکیمان تورات، باید به آنها احترام گذاشته شود. باید با آنها مانند افراد برتر اجتماعی رفتار شود. این رسم بود.

قبل از اینکه رسماً به عنوان یک عنوان استفاده شود، به معنای واقعی کلمه به معنای استاد من (Rabi) ربی بود، ربی فلان و فلان. در اصل به معنای استاد من بود، که عنوانی بسیار محترمانه برای معلم خود بود. عیسی می‌گوید، هیچ‌کس را ربی صدا نزنید.

شما یک استاد دارید، حتی مسیح. عیسی می‌گوید، هیچ‌کس را پدر خطاب نکنید. او در مورد پدرتان صحبت نمی‌کند، بلکه در مورد این عناوین افتخاری ویژه‌ای صحبت می‌کند که به خاخام‌ها داده می‌شد.

شاگردان خاخام‌ها، خاخام‌های خود را پدر صدا می‌زدند. می‌دانم که در برخی از سنت‌های کلیسایی امروز، ما به کسی به عنوان پدر لقب می‌دهیم، همانطور که به کسی استاد یا کشیش می‌گوییم. ما گاهی اوقات برای حرفه‌های مختلف لقب‌هایی داریم.

اما مسئله در این مورد این بود که این یک عنوان افتخاری بود که آنها به آن توجه می‌کردند، و شاگردانشان باید با همان احترامی که با والدین خود رفتار می‌کردند، با آنها رفتار می‌کردند. عیسی می‌گوید شما یک معلم دارید، یعنی خود عیسی. شما یک پدر دارید، یعنی خدا.

شما همه برادر و خواهر هستید. این به معنای حذف نقش معلم نیست. کاتب پادشاهی را که در متی ۱۳ درباره‌اش صحبت کردیم، به یاد داشته باشید.

پولس از معلمان به عنوان هدایای روح یاد می‌کند. ما از این چیزها استقبال می‌کنیم. کتاب مقدس می‌گوید به کسانی که احترامشان واجب است، مقامات دولتی و غیره احترام بگذارید.

پولس می گوید به بزرگانی که جماعت را رهبری می کنند احترام بگذارید. همه این ها ممکن است درست باشد، اما ما که رهبر هستیم باید به یاد داشته باشیم که رسالت ما خدمتگزاری است. ما نباید دیگران را وادار کنیم. که به ما احترام بگذارند.

ما نباید دنبال چنین چیزی باشیم. وقتی من کشیش بودم، در یک جمعی بودم که من خیلی جوان بودم و بقیه هم جوان بودند و آنها من را کریگ صدا می زدند. در بعضی محافل این توهین آمیز خواهد بود.

بعداً در محافل دیگری بودم و می خواستم مردم من را کریگ صدا کنند و آنها گفتند، اوه نه، ما نمی توانیم. این کار را نکنیم. کشیش کینر. من هم گفتم، لطفاً من را کشیش صدا نکنید.

من قابل احترام نیستم. فقط خدا قابل احترام است. در نهایت، من تسلیم شدم.

نتوانستم آنها را متقاعد کنم. شاگردانم در اوایل همیشه مرا دکتر کینر صدا می زدند. اما نکته مهم این است که من نمی خواهم دنبال القاب و عناوین باشم.

من نمی خواهم دنبال افتخار باشم. اگر مردم از من خوششان بیاید، خوب، من با اینکه مردم از من خوششان بیاید مشکلی ندارم. اگر مردم به من احترام بگذارند، اشکالی ندارد.

اما من به دنبال افتخار برای خودم نیستم. من به دنبال افتخار برای خداوند هستم. تعالی بخشیدن فقط کار خداست.

همانطور که عیسی در آیه ۱۲ روشن می کند، او زیان انبیای عهد عتیق، اشعیا ۲ آیات ۱۱ و ۱۲، ۵، ۱۵ و حزقیال ۲۶:۲۱ و غیره را تکرار می کند. هر که خود را بزرگ جلوه دهد، پست خواهد شد، اما فروتنان، ۱۶ سرافراز خواهند شد. حتی در یک ضیافت که پایین ترین صندلی را انتخاب می کنید و به جایگاه بالاتری فراخوانده می شوید، این از امثال گرفته شده است.

بنابراین، رهبران باید خدمتگزار باشند. این شیوهی رهبری در پادشاهی خداست. اگر خدا به ما نقشی داده است، برای خدمت به قومش است، نه حکومت بر آنها.

ما این را به وضوح در ۲۴، ۴۵ تا ۵۱ سالگی خواهیم دید. مردم از گوسفندان برای خودشان سوءاستفاده می کنند، چه برای نیازهای روانی شان و چه بیشتر اوقات از نظر مالی. گاهی اوقات کشیشان حتی از اعضای جماعت سوءاستفاده جنسی کرده اند.

چیزی هست که روانشناسان به آن می گویند انتقال، جایی که کسی در موقعیت افتخارآمیزی قرار دارد و مردم به او نگاه می کنند. این موضوع خیلی به خود شخص مربوط نیست، بلکه به نقش یا جایگاه او و نحوه درک او از شخص نگاه می کنند. سپس انتقال متقابل وجود دارد، جایی که این شخص شروع به پاسخ دادن به محبت می کند.

باید مراقب باشید. بین احترام مناسب و نامناسب، و محبت مناسب و نامناسب تفاوت وجود دارد. بسیاری از خادمان مرتکب گناه شده اند و ما باید در این مورد قاطع باشیم که باید به مردم کمک کنیم تا بر آن غلبه کنند و در پیشگاه خدا زندگی مقدسی داشته باشند، زیرا خدا کسانی را که از بندگانش سوءاستفاده می کنند، داوری خواهد کرد.

ما همه خدمتگزار یکدیگر هستیم. قرار است مراقب یکدیگر باشیم. عیسی در آیات ۱۳ تا ۳۲ باب ۲۳ به بیان مشکلات علیه دین بشر ادامه می‌دهد.

اخلاق فریسیان شبیه اخلاق عیسی بود، اما باز هم، فقط اصول اخلاقی شما مهم نیست. فقط این نیست که بگویید، اوه، من با هر چیزی که عیسی گفته موافقم. ما باید طوری زندگی کنیم که انگار با هر چیزی که عیسی گفته موافقم.

عیسی در اینجا هفت مصیبت بیان می‌کند که با هشت سعادت مطابقت دارد. ظاهراً برخی از کاتبان تصور می‌کردند که باید در اینجا هشت مصیبت وجود داشته باشد تا با هشت سعادت در اولین خطبه عیسی در متی مطابقت داشته باشد. با این حال، به نظر می‌رسد مصیبت هشتم یک تغییر متنی باشد.

به نظر می‌رسد که برخی از کاتبان بعدی که فکر می‌کردند این عبارت از قلم افتاده است، آن را از انجیل مرقس وام گرفته‌اند. آیات ۱۳ تا ۱۵، برخی از رهبران مذهبی بیشتر ضرر می‌رسانند تا فایده. عیسی از جستجوی نوکیشان سخن می‌گوید، که به طور گسترده مورد تأیید قرار گرفته است.

تاسیتوس، مورخ رومی، از این موضوع شکایت دارد. برخی از رومی‌ها خیلی خوشحال نبودند. یهودیان به دنبال نوکیشان یهودی بودند، اما این کاری بود که افراد انجام می‌دادند.

این یک جنبش سازمان‌یافته‌ی مأموریت‌های مذهبی نبود. جامعه‌ی یهودی جنبش سازمان‌یافته‌ی مأموریت‌های مذهبی نداشت، اما مردم به تبلیغ دین و جذب غیریهودیان علاقه‌مند بودند. البته این چیز بدی نیست.

مشکل این بود که آنها سعی داشتند افرادی را به دین خود جذب کنند و سعی داشتند افرادی را مانند خودشان با ارزش‌های خودشان به دین خود جذب کنند، اما ارزش‌های آنها همیشه ارزش‌های درستی نبود. آنها قلب درستی نداشتند. بنابراین، آنها افرادی را به دین خود جذب می‌کردند که درست نبود.

عیسی می‌گوید، دو برابر فرزند جهنم، خودت هستی، که یک عبارت سامی خوب برای گفتن این بود که دو برابر آنچه که هستی، محکوم به جهنم هستی. تناقض در ارزیابی معیارهای تقدس، خدا را بی‌آبروتر می‌کند. آیات ۱۶ تا ۲۲. این به آنچه عیسی قبلاً در متی فصل پنجم در مورد سوگند در آیات ۳۳ و بعد از آن گفته است، اشاره دارد.

تا ۲۲، مردم از نام‌های جایگزین استفاده می‌کنند تا در صورت شکستن تصادفی سوگند، از قضاوت ۱۶، ۲۳، فرار کنند. فریسیان در پی تشخیص این بودند که کدام عبارات سوگند واقعاً الزام‌آور هستند. عیسی این عمل را به عنوان مغالطه بی‌معنی، فریبکاری بی‌معنی و عدم درک واقعی اصل قانون رد کرد.

هر نوع سوگندی، شما آبروی خود را به خطر می‌اندازید و هر نوع سوگندی در نهایت به خدا متوسل می‌شود. او از قسم خوردن به طلای معبد صحبت می‌کند. اگر به طلای معبد قسم بخورید، گناهکار می‌شوید.

این چیزی است که آنها گفتند. عیسی گفت، می‌دانید، به هر چیزی که قسم می‌خورید، همان است. اما آنها. برای طلای معبد، از جمله تاک طلایی که قبلاً در مورد آن صحبت کردیم، ارزش زیادی قائل بودند.

عیسی گفت که کاتبان و فریسیان، به خاطر درختان، جنگل را از دست می‌دادند. آنها آنقدر درگیر جزئیات بودند که تصویر کلی پیام خدا را از دست دادند. و ما امروز می‌توانیم این کار را انجام دهیم.

منظورم این است که شما گاهی اوقات، حتی در حوزه علمیه، طلاب حوزه گاهی اوقات جنگل را به خاطر درختان از دست می‌دهند. گاهی اوقات، می‌دانید، با یادگیری تفسیر یونانی می‌گویید، بسیار خوب، این فعل به این معنی است و این شکل اسم است و غیره. خب، همه اینها می‌تواند در درک کتاب مقدس مفید باشد.

اما فریسیان صرفاً با داشتن دانش کتاب مقدس، از دانش کتاب مقدس برخوردار بودند. در واقع، آنها بسیاری از تورات را بهتر از اکثر مسیحیان امروزی می‌دانستند. فقط دانستن دستور زبان کافی نیست.

فقط کافی نیست که از صفحه مورد نظر اطلاعات داشته باشیم. ما باید از آن لذت ببریم. ما باید آن را دوست داشته باشیم.

اما اهل کتاب بودن باید چیزی بیش از صرفاً شناخت کتاب باشد. باید به این معنی باشد که ما زندگی روح کتاب را داشته باشیم. متی ۲۳، آیات ۲۳ و بعد از آن، در مورد اینکه چگونه آنها جنگل را به خاطر درختان از دست دادند، صحبت می‌کند.

عیسی صحبت خود را با دادن ده یک آغاز می‌کند. بسیاری از کلیساهای امروزی تأکید زیادی بر دادن ده یک دارند. آنها از ملاکی ۱۰: ۳ نقل قول می‌کنند که می‌گوید: «تمام ده یک‌ها را به انبار بیاورید تا در خانه من غذا باشد.»

و آنها خواهند گفت، خب، شما باید تمام عشر را به کلیسا بیاورید زیرا کلیسا جایی است که غذا بین مردم توزیع می‌شود. در ملاکی واقعاً نکته اصلی این نبود. انبار جایی بود که غلات نگهداری می‌شد.

این انبار غله بود. و سپس غذا بین کاهنان و لایوان توزیع می‌شد، نه فقط بین کلیساهای محلی مورد علاقه‌تان. می‌دانم که این می‌تواند موضوع بسیار حساسی باشد، زیرا بسیاری از کلیساهای از این طریق حمایت خود را افزایش می‌دهند.

وقتی جان تتزل داشت برای پروژه‌های ساختمانی در رم کمک مالی جمع‌آوری می‌کرد، مارتین لوتر جسارت به خرج داد و قرائت‌های کتاب مقدس و سنت را که این کمک‌ها بر اساس آنها بود، به چالش کشید، روشی که این کار انجام می‌شد و می‌گفت، خب، اگر این را بدهی، یکی از اقوام را از برزخ بیرون می‌آوری و از این قبیل حرف‌ها. لوتر گفت، این هیچ پایه و اساسی ندارد. این جمع‌آوری کمک‌های مالی شیطانی است.

او با تأسیس دوران خود، خودش را به دردسر زیادی انداخت. و چون نمی‌خواهم خودم را به دردسر بیندازم. شاید باید به نکته بعدی پردازم. اما فقط برای اینکه بگویم، حمایت از کار کلیسا طبق کتاب مقدس است.

عیسی احتمالاً ۱۰٪ مطالبه نمی‌کند، چون با فداکاری کوچکی مثل ۱۰٪ فروخته نمی‌شود. عیسی همه چیز را مطالبه می‌کند. او جان ما را مطالبه می‌کند.

بنابراین، واقعاً بیش از ۱۰٪ است. اما در مورد اینکه به کجا می‌رود، به جایی می‌رود که برای پادشاهی بیشتر مورد نیاز است. حال، در مورد خدمات تلویزیونی و مواردی از این دست، من معمولاً به کلیسای محلی بیشتر از یک خدمت تلویزیونی اعتماد می‌کنم یا همه آن را برای این سخنرانان در این ویدیوهایی که تماشا می‌کنید ارسال می‌کنم.

نه. کلیسای محلی به حمایت ما نیاز دارد. اما منظورم این است که کلیسای محلی نیز باید از بودجه به روش‌های مناسب استفاده کند.

ده یک برای چه چیزی استفاده می‌شد؟ خب، برای حمایت از کار خدمت استفاده می‌شد. کاهنان و لاویان برای حمایت از خادمانی که کار خدا را انجام می‌دادند، که در معبد خدا را پرستش می‌کردند، استفاده می‌شدند. و هر سه سال یکبار برای برگزاری مهمانی در اورشلیم و تقسیم منابع با لاویان و بیوه زنان و یتیمان استفاده می‌شد.

بیشتر ما امروزه در اورشلیم مهمانی برگزار نمی‌کنیم. ما تمام آنچه را که در مورد ده یک عهد عتیق آمده است، به معنای واقعی کلمه در نظر نمی‌گیریم. اما ده یک تنها بخش کوچکی از نظارت عهد عتیق است.

نظارت کتاب مقدسی چیزی فراتر از ده یک، نخست‌زادگان گله‌ها و سایر هدایا است. بنابراین، مردم می‌توانند از آن به عنوان یک، می‌دانید، استفاده کنند، فقط برای اینکه یک رقم در ذهن داشته باشند، تا حداقل این کار را انجام دهند. اما به خاطر داشته باشید که نظارت کتاب مقدسی به معنای مراقبت از فقرا، مراقبت از کار خدمت، مراقبت از امور پادشاهی و مراقبت از نیازهای اطراف شما است.

منظور این نیست که برویم و نمادهای جایگاه اجتماعی بخیریم تا شبیه بقیه شویم. به هر حال، در این مورد به اندازه کافی صحبت شد. وای بر شما، ای علمای دین و فریسیان، ای ریاکاران، عیسی می‌گوید که شما از ادویه‌های خود، نعناع، شوید و زیره، ده یک می‌دهید.

چرا او این ادویه‌ها را مشخص می‌کند؟ خب، عشر یک دهم محصولات کشاورزی بود. فریسیان در این مورد بسیار دقیق بودند، اگرچه بخش‌های مختلف را هماهنگ کردند و به سه عشر رسیدند، از این رو ۲۰٪ برای دو سال و ۳۰٪ برای سال سوم، تا بتوانند مهمانی خود را در اورشلیم برگزار کنند. بنابراین، آنچه در نهایت به دست آوردند به طور متوسط حدود ۲۳ بود و یک سوم درصد از درآمد آنها در سال برای عشر اختصاص داده می‌شد.

فریسیان عمدتاً شهرنشین بودند و ده یک عمدتاً کشاورزان روستایی را تحت تأثیر قرار می‌داد. اما فریسیان در این مورد ریاکار نبودند. آنها اگر مطمئن نبودند که قبلاً یک دهم به هر غذایی که می‌خریدند، تعلق گرفته است، دوباره ده یک آن را پرداخت می‌کردند.

اما دهمین ادویه‌هایشان، این درباره چیست؟ فریسیان بحث می‌کردند که آیا بعضی چیزها واقعاً مواد غذایی هستند و بنابراین آیا لازم است که از آنها ده یک گرفته شود یا خیر. خاخام‌های بعدی گفتند، بله، شوید و زیره را ده یک بدهید، اما لازم نیست از نعناع ده یک بدهید. شمّائیان قرن اول، که احتمالاً قبل از ۷۰ میلادی مسلط بودند، شمّائیان قرن اول حتی در مورد زیره هم اختلاف نظر داشتند.

آنها گفتند، خب، لازم نیست برای آن هم ده یک بدهید. اما عیسی اینجا یک فریسی بسیار دقیق را خطاب قرار می‌دهد. شما از ادویه‌هایتان، نعناع، شوید و زیره، ده یک می‌دهید.

این یک فریسی اغراق‌آمیز است. او از همه چیز، حتی چیزهایی که مورد اختلاف است، ده یک می‌دهد، چه لازم باشد از آنها ده یک بدهید یا نه. او از آنها ده یک می‌گیرد.

و با این حال این فریسی بسیار دقیق، نکته‌ی اصلی را از دست می‌دهد. عیسی می‌گوید: «عالی است، عالی است که شما این کار را انجام می‌دهید.» اما با اینکه شما ده یک می‌دهید، مسائل مهم‌تر شریعت، عدالت، رحمت و وفاداری را نادیده گرفته‌اید.

حال به یاد داشته باشید که عیسی هیچ امری از شریعت را سبک نمی‌دانست. هر که کوچکترین فرمانی را بشکند، ۵۱۹، اما او به دنبال قلب شریعت بود. و این ایده جستجوی قلب شریعت و استفاده از آن به عنوان یک مرکز تفسیر، چیز جدیدی نبود.

به آیات ۱۲ و ۱۳ تثنیه ۱۰ فکر کنید. و اکنون، ای اسرائیل، خداوند، خدای شما، از شما چه می‌خواهد؟ جز اینکه از خداوند، خدای خود بترسید، در تمام راه‌های او گام بردارید، او را دوست داشته باشید، خداوند خدای خود را با تمام قلب و تمام روح خود خدمت کنید، و از فرامین و احکام خداوند که امروز برای خیر و صلاح شما به شما می‌دهم، پیروی کنید. چیزی شبیه به خلاصه‌ای از شریعت.

میکاه فصل شش و آیه هشت، ای انسان، او به تو نشان داده است که چه چیز نیکوست. و خداوند از تو چه می‌خواهد؟ اینکه عادلانه رفتار کنی، رحمت را دوست داشته باشی، با فروتنی با خدای خود رفتار کنی. عیسی می‌گوید: عدالت و رحمت و وفاداری.

حالا هم عیسی و هم خاخام‌ها موافق بودند که هیچ یک از مطالب تورات سبک نیست. اینطور نبود که، خب، من قرار نیست به این موضوع توجه کنم. لازم نیست این کار را بکنم.

با این حال، عیسی تأکید کرد که برخی چیزها از برخی چیزهای دیگر سنگین‌ترند. اولین و بزرگترین حکم را به یاد داشته باشید. و فریسیان در مورد اینکه کدام حکم بزرگترین است، بحث می‌کردند.

خب، عیسی گفت، خدا را با تمام قلب خود دوست بدارید، همسایه خود را نیز دوست بدارید. این خلاصه‌ای از شریعت است. ای کوران نادان، کدام بزرگتر است؟ ای نابینایان، کدام بزرگتر است؟ او در آیات ۲۳:۱۷ و ۱۹ از آنها می‌پرسد.

بنابراین، برخی چیزها از برخی دیگر محوری‌تر هستند. منظورم این است که در اعطای شریعت، یکی از محوری‌ترین چیزها، قلب خداست، زیرا خدا شریعت را آشکار می‌کند. خداوند، خداوند، بخشنده و مهربان خداوندی که گناه والدین را بر فرزندان تا نسل سوم و چهارم مجازات می‌کند، اما محبت عهد و پیمان او شامل حال هزاران نسل از کسانی می‌شود که از او می‌ترسند و احکام او را حفظ می‌کنند.

قلب خدا در قلب شریعت است. همانطور که او در عهد عتیق می‌گوید، ای اسرائیل، من این قوانین را برای خیر شما به شما می‌دهم. ما در جاهای دیگر انجیل متی، عدالت، رحمت و وفاداری را مورد تأکید قرار می‌دهیم، در ستایش ایمان افسر رومی، در ابراز رحمت عیسی هنگامی که از او رحمت خواسته می‌شود، در دفاع از عدالت.

معاصران عیسی همچنین تشخیص می‌دادند که برخی از احکام شریعت از بقیه مهم‌تر هستند. آنها آنها را سنگین‌تر از بقیه می‌نامیدند. گاهی اوقات کلام بشری را از احکام الهی و احکام سبک‌تر و سنگین‌تر متمایز می‌کردند، اما همیشه این کار را دقیقاً به روشی که عیسی انجام می‌داد، انجام نمی‌دادند.

برای مثال، خاخام گفت که مجازات بی‌توجهی به نخ‌های سفید شال نماز بیشتر از مجازات بی‌توجهی به نخ‌های آبی شال نماز است. این احتمالاً چیزی نبود که عیسی در ذهن داشت. مطمئناً چیزی نیست که او در مورد در نظر داشتن آن به عنوان موضوع اصلی صحبت کند.

خب، پس عیسی دوباره از طنز استفاده می‌کند. او می‌دانست چگونه توجه مخاطب خود را جلب کند. او از یک توهین تصویری طنزآمیز استفاده می‌کند.

ای راهنمایان کور. ما قبلاً دیدیم که این جمله چقدر گویاست. پشه را صافی می‌کنید، اما شتر را می‌بلعید.

Strain در انگلیسی، ما در واقع یک اصطلاح داریم در مورد کسی که پشه را فشار می‌دهد، و باید می‌گفتند اما یک اشتباه تاپی، یک اشتباه حروف‌چینی در نسخه اصلی انجیل کینگ جیمز وجود، Strain out a gnat. Strain out a gnat نوشته شده بود، Strain داشت. و بنابراین، مردم، به جای اینکه بگویند. و بنابراین مردم، این گاهی اوقات در انگلیسی به یک استعاره تبدیل شد.

اما نکته این است که آنها به جزئیات توجه می‌کنند. ده یک در مقایسه با اصول بزرگتر قلب خدا، که ممکن است از ما چیزی بیش از یک ده یک بخواهد، ناچیز بود، یا اگر کسی واقعاً فقیر باشد و فقط با همین یک ده یک زندگی کند، شاید احتمال بیشتری وجود داشته باشد که دریافت کند. به هر حال، من به این موضوع نمی‌پردازم زیرا مردم می‌توانند برای خود بهانه‌تراشی کنند.

اما آن دسته از ما که منابعی داریم، اکنون باید در نظر بگیریم که چگونه می‌توانیم به بهترین نحو از آنها برای پادشاهی استفاده کنیم. اما منظور او از صافی کردن پشه و بلعیدن شتر چیست؟ ممکن است یک جناس شوخ طبعانه در زبان آرامی وجود داشته باشد. شتر و پشه تلفظ مشابهی دارند، گاملاً در مقابل کالما.

و می‌دانید، پیامبران اغلب برای اعلام داوری از جناس استفاده می‌کردند. میکاه، فصل اول، مجموعه‌ای کامل از جناس‌ها را دارد. شما یکی از آنها را در ارمیا، فصل اول، دارید.

ارمیا چه می‌بینی؟ من شاخه‌ای از درخت بادام می‌بینم. خب، این عبارتی بود که در مورد تسریع داوری نیز صحبت می‌کرد، می‌توانست در مورد آن نیز صحبت کند. عاموس، فصل هشتم، چه می‌بینی؟ عاموس، من یک سبد میوه تابستانی می‌بینم.

خب، میوه تابستانی، همین کلمه می‌تواند به معنای پایان هم باشد. پایان اسرائیل نزدیک است. خب، شاید اینجا بازی با کلمات باشد، اما فراتر از بازی با کلمات، چیزی کاملاً واضح است.

فریسیان از انواع خاصی از ناپاکی اجتناب می‌کردند. لاویان، فصل ۱۱، می‌گوید اگر حشره‌ای در نوشیدنی شما، بمیرد یا مارمولکی در نوشیدنی شما بمیرد یا چیزی شبیه به آن، نمی‌توانید آن نوشیدنی را بنوشید. خب، بسیاری از ما با این موافقیم، حتی به دلایل دیگر.

ما حداقل در بسیاری از فرهنگ‌ها آن را نجس می‌دانیم. اگرچه یک بار مجبور شدم این کار را انجام دهم، وقتی میزبانم آن را به من می‌داد، و در فرهنگ او، اگر چیزی را که به من می‌داد نمی‌نوشیدم، بسیار توهین‌آمیز بود. و او وقتی مایع را داخل آن می‌ریخت، متوجه نشد که چند مگس مرده در لیوان وجود دارد.

اما به هر حال، معمولاً اگر چیزی در نوشیدنی می‌مرد، آن را نمی‌نوشیدند. اما فریسیان می‌خواستند بفهمند که برای شمرده شدن، چقدر کوچک یا چقدر بزرگ باید باشد؟ خب، یک مگس هم حساب می‌شد، اما آنها می‌گفتند هر چیزی کوچکتر از یک عدس حساب نمی‌شود. بنابراین، اگر یک پشه در نوشیدنی شما بمیرد، حساب نمی‌شود.

اما اینجا ما یک فریسی اغراق‌آمیز و بسیار دقیق داریم. این فریسی می‌گوید، اوه، حتی یک پشه، من پشه را از صافی رد می‌کنم، نمی‌گذارم در نوشیدنی‌ام بمیرد تا نوشیدنی‌ام همچنان تمیز و کوشر باشد. اما بعد همین فریسی یک شتر را که بزرگترین حیوان در مجاورت یهودیه و جلیل است، قورت می‌دهد.

شترها، لاویان ۱۱، شترها نجس بودند. بنابراین، آنها پشه را از صافی رد می‌کردند، که البته جای بحث داشت که آیا آنها مجبور به انجام این کار بودند یا نه، اما آنها یک شتر را کامل می‌بلعند. آنها روی جزئیات کوچک متمرکز هستند، اما قلب خدا را از دست می‌دهند.

آنها تصویر کلی را از دست می‌دهند. خب، عیسی، در حالی که درباره ناپاکی صحبت می‌کند، کمی بیشتر درباره آن صحبت می‌کند زیرا فریسیان استاد طهارت آیینی بودند. ده یک و طهارت آیینی دو مورد از مسائل بسیار مهم آنها بود.

وای بر شما ای علمای دین و فریسیان ریاکار، شما بیرون پیاله و بشقاب را پاک می‌کنید، در حالی که درون آن پر از طمع و شهوت است.

اول داخل فنجان را تمیز کنید. خب، عیسی اینجا دارد روی بحثی مانور می‌دهد که در آن دوره بین فریسیان بین مکاتب شمایی و هیلل وجود داشت، جایی که آنها در مورد فنجان‌های واقعی صحبت می‌کردند. در مورد فنجان‌های واقعی، شمائی‌ها اهمیتی نمی‌دادند که آیا شما اول داخل فنجان را تمیز می‌کنید یا نه.

پیروان هیلل گفتند، اول درون را تمیز کنید. عیسی می‌گوید، بله، اول درون را تمیز کنید. اما درون فنجانی که من در موردش صحبت می‌کنم، فنجان خودتان است.

درون قلب خود را پاک کنید. قبل از اینکه بیرون را پاک کنید، درون زندگی خود را پاک کنید. فریسیان. استادان پاکیزگی آیینی هستند، اما با این حال عیسی آنها را نجس می‌نامد.

خب، بدترین نوع ناپاکی، ناپاکی جسد بود، و عیسی قرار است آنها را در این مورد نیز به چالش بکشد. وای بر شما، ای معلمان شریعت و فریسیان، ای ریاکاران. شما مانند مقبره‌های سفیدکاری شده هستید.

آنها از بیرون زیبا به نظر می‌رسند، اما درونشان پر از استخوان‌های مردگان و هر چیز ناپاک است. بنابراین، شما از بیرون در نظر مردم عادل به نظر می‌رسید، اما از درون، پر از ریا و شرارت هستید. متی ۲۳ آیات ۲۷ و ۲۸.

برخلاف اکثر انواع ناپاکی، لمس جسد، فرد را برای یک هفته کامل نجس می‌کرد. اعداد ۱۹. در واقع، در سنت فریسیان، این امر تا جایی صدق می‌کرد که سایه فرد جسد را لمس می‌کرد.

به همین دلیل است که اگر تمثیل سامری نیکوکار در لوقا فصل ۱۰ را به خاطر داشته باشید، کاهن و لاوی از آن طرف عبور کردند. آنها حتی نمی‌خواستند سایه‌شان با جسد تماس پیدا کند. و آنها حتی قرار نیست در اورشلیم مراسم مذهبی انجام دهند.

آنها در راه بازگشت به اریحا هستند، جایی که بسیاری از کاهنان ثروتمند در آن زندگی می‌کردند. یهودیان در بهار مقبره‌ها را سفیدکاری می‌کردند تا به زائران عید فصح هشدار دهند. بنابراین، آنها می‌دانند که، باشه، ریسک لمس این را نکنند.

ممکن است برای این عید نجس باشید. اما متی به شیوه‌ای متفاوت بر سفیدکاری به عنوان عاملی زیباکننده برای پنهان کردن فساد تمرکز می‌کند. حزقیال ۱۳ درباره این دیوار صحبت می‌کند.

اوضاع خیلی خرابه. فاسده. اما تو نمی‌دونی چون همه‌ش ماست مالی شده.

به نظر می‌رسد مشکلی نیست. عیسی می‌گوید تو همین هستی. مردم به تو نزدیک می‌شوند و فکر می‌کنند تو خیلی مقدس هستی و از بودن در حضور تو دچار ناپاکی مذهبی می‌شوند.

این نشان می‌دهد که تو چقدر نجس هستی. حالا عیسی او را بیشتر به این نکته سوق می‌دهد. آه، استخوان‌های مردگان.

حالا که داریم درباره مقبره‌ها صحبت می‌کنیم، وای بر شما ای علمای دین و فریسیان ریاکار. شما برای پیامبران مقبره می‌سازید و قبرهای صالحان را تزئین می‌کنید. و می‌گویید، ای کاش در روزگار اجدادمان زندگی می‌کردیم، در ریختن خون پیامبران به آنها کمک نمی‌کردیم.

پس، شما موافقید. شما از نوادگان این اجداد هستید. می‌دانید، آنها می‌توانستند بگویند، ما فرزندان پیامبران هستیم.

اما ببینید با چه کسی همذات‌پنداری می‌کردند. ما فرزندان کسانی هستیم که پیامبران را کشتند. در دوران باستان، مردم می‌توانستند به دو روش مختلف از فرزند بودن صحبت کنند.

شما می‌توانید فرزندان ژنتیکی کسی باشید یا می‌توانید شبیه کسی باشید و بنابراین به شما گفته می‌شود که مانند فرزند کسی هستید. و بنابراین، عیسی با این موضوع بازی می‌کند و می‌گوید، بله، دقیقاً همانطور که گفتید، شما فرزندان کسانی هستید که پیامبران را کشتند. پس ادامه دهید، جام اجداد خود را پر کنید.

آنها پیامبران را کشتند. حالا تو می‌خواهی با کشتن من، اعمال آنها را به اوج خود برسانی. بنابراین، آنها داوری‌ای را که برایشان ذخیره شده است، فرا می‌خوانند.

ای مارها، ای افعی‌زادگان، چگونه از محکومیت به جهنم فرار خواهید کرد؟ خب، به غنا. می‌دانید که گذشتگان اغلب معتقد بودند که افعی‌ها در رحم مادرشان از تخم بیرون می‌آیند و با جویدن راه خود را از میان رحم مادر باز می‌کنند. ما در مورد این موضوع در متی فصل سوم و آیه هفتم صحبت کردیم.

بنابراین آنها اینجا می‌خواهند نوادگان اجدادشان باشند. و عیسی می‌گوید شما اساساً مانند قاتلان والدین هستید. شما مانند کسانی هستید که اجداد خود را کشتند.

شما مانند کسانی هستید که پیامبران را کشتند. پس، پیمان‌ه اجدادتان را لبریز کنید. این فریسیان به جای اینکه پرهیزگار باشند، والدین خود را کشتند، نه فرزندان خوب ابراهیم.

او گفت که آنها پیامبران، یعنی اجداد شما را کشتند. اکنون شما جام اجداد را لبریز خواهید کرد. با کشتن من، آن را تا سر لبریز کنید.

و بنابراین، تمام داوری‌ای که از زمان آنها تا این زمان ذخیره شده است، اکنون کاملاً لبریز خواهد شد. سرریز خواهد شد. سرانجام جام برای داوری آماده خواهد شد.

تمام خون‌های نیکان که بر زمین ریخته شده است، از خون هابیل نیکان گرفته تا خون زکریا پسر برکیا که او را بین معبد و قربانگاه کشتید، بر شما خواهد بود. به راستی، به شما می‌گویم، تمام این داوری بر این نسل نازل خواهد شد. چرا بر آن نسل؟ زیرا آن نسلی بود که قرار بود با کشتن پیامبر نهایی اسرائیل، با کشتن خود. مسیح، قتل پیامبران را به اوج خود برساند.

خون تمام پارسایان از هابیل تا زکریا. خون هابیل را از پیدایش فصل چهارم به یاد دارید. از زمین علیه قاتلش فریاد برآورد.

به همین دلیل است که در عبرانیان باب ۱۱ می‌خوانید که او با وجود مرگش هنوز سخن می‌گوید، زیرا خونساز، از زمین فریاد برآورد. در عبرانیان باب ۱۲، خون عیسی بهتر از خون هابیل سخن می‌گوید. اما در این زمینه خون عیسی نیز برای داوری فریاد خواهد زد.

قرار است این اعمال به اوج خود برسند. آخرین شهید در کتاب مقدس عبری، یا حداقل آنطور که ما اغلب از کتاب مقدس عبری تصور می‌کنیم، واقعاً یک طومار در آن نقطه نداشت که بتوانید کل کتاب مقدس عبری را در آن جای دهید. اما حداقل می‌توانیم بگوییم که این یکی از آخرین آنهاست، به روشی که کتاب مقدس عبری به طور معمول تنظیم شده بود.

در آنچه ما آن را دوم تواریخ ۲۴ می‌نامیم، هنگامی که زکریا در معبد به شهادت می‌رسد، می‌گوید: «خدايا انتقام را ببین.» حال، به نظر می‌رسد پسر زکریا، برکیا، دو زکریا را با هم ترکیب می‌کند. معلمان یهودی گاهی اوقات چیزها را با هم ترکیب می‌کردند تا مطمئن شوند که شما به دیگری نیز اشاره می‌کنید.

اما برای اینکه بحث را پیش ببرم، وارد جزئیات نمی‌شوم چون تا حدودی در موردش صحبت کرده‌ام. فقط همینقدر بگویم، خوب، این همان زکریا است که بین معبد و قربانگاه به قتل رسیده است. همان که در تواریخ دوم، باب ۲۴، فریاد انتقام سر می‌دهد.

در سنت یهودی، که او را با زکریای متفاوت نیز یکی می‌دانند، اما در سنت یهودی آمده است که از جایی که زکریا به قتل رسید، چشمه خونی فوران می‌کرد. و این فوران از نسلی به نسل دیگر ادامه داشت. تا اینکه سرانجام، هنگامی که کاپیتان بابلی، نابزادان، مردم را به اسارت می‌برد، این چشمه خون را در معبد دید.

و او گفت، چرا این کار را می‌کند؟ جلوی او را بگیرد. و هیچ‌کس نمی‌توانست جلوی او را بگیرد. بنابراین شروع به کشتار کاهنان در معبد کرد.

و من معتقدم که خاخام‌ها گفتند حدود ۲۴۰۰۰ نفر بوده است. خاخام‌ها استاد اغراق بودند، اما بسیاری از کاهنان را در معبد قتل عام کردند. و در نهایت، مردم دیگر نتوانستند تحمل کنند.

آنها فریاد زدند، خدايا، ما را به خاطر خون زکریا ببخش. و سپس فواره متوقف شد. بنابراین، به شکلی بسیار واضح، مردم همچنین به یاد آوردند که خون زکریا فریاد انتقام بود.

اما عیسی می‌گوید تمام خون‌های پاکان ریخته شده از اولین شهید تا آخرین، از این نسل مطالبه خواهد شد، زیرا این نسل با کشتن پسر خود خدا، تمام آن اعمال را به اوج خود خواهد رساند. خوب، منظور او از این نسل چیست؟ در هر جای دیگر انجیل متی، منظور نسلی بود که در آن زمان زنده بودند. فصل ۲۷، خون او بر ما و فرزندان ما باد.

در سال ۷۰ میلادی، ویرانی فرا رسید. عیسی برای اورشلیم سوگواری می‌کند. و در اینجا عشق خدا، عشق ویژه او به اسرائیل، عشق ویژه به قومش، بقیه‌ی گفتمان را در چارچوب خود قرار می‌دهد.

بله، او از رهبرانی که از مردمش سوءاستفاده می‌کنند، آنها را به گمراهی می‌کشاند، و به جای قلب خدا ایده‌های خودشان را آموزش می‌دهند، خشمگین است. او از آنها خشمگین است، اما نه به این دلیل که

دوست ندارد، بلکه دقیقاً به این دلیل که دوست دارد. و می‌گوید، چقدر مشتاق بودم شما را جمع کنم، همانطور که مرغ جوجه‌هایش را زیر بال‌هایش جمع می‌کند.

چقدر آرزو داشتم شما را جمع کنم. خب، یادتان هست که عهد عتیق اغلب از خدا صحبت می‌کند که قوم خود را زیر بال‌های خود جمع می‌کند یا قوم خود را زیر بال‌های خود پناه می‌دهد. در واقع، یهودیان همچنان از زیر بال‌های شکینا، از حضور خدا، صحبت می‌کنند تا از نوکیشان یا نوکیشان به عنوان کسانی که زیر بال‌های شکینا آورده شده‌اند، صحبت کنند.

عیسی در اینجا ادعای الوهیت می‌کند و می‌گوید، من تو را با همان عشقی که خدا همیشه به قومش داشته است، دوست دارم. خدا مردم را دوست دارد. حزقیال می‌گوید که او آرزوی مرگ شریان را ندارد، که آنها بمیرند، اما مردم باید به عشق او پاسخ دهند.

او می‌گوید: «خوشا به حال کسی که به نام خداوند می‌آید، دیگر مرا نخواهید دید تا زمانی که بگویید: خوشا به حال کسی که به نام خداوند می‌آید.» خب، آنها این را وقتی که او را هنگام ورود به اورشلیم تشویق می‌کردند، گفتند. و این گفته: «دیگر مرا نخواهید دید تا زمانی که بگویید: خوشا به حال کسی که به نام خداوند می‌آید».

این گفته در لوقا نیز آمده است، اما در لوقا، زودتر آمده است. در لوقا، من معتقدم در فصل ۱۳ آمده است، قبل از ورود پیروزمندانه آمده است، من معتقدم در فصل ۱۹ آمده است. اما اینجا در متی، بعد از ورود پیروزمندانه قرار گرفته است زیرا متی تشخیص می‌دهد که زمانی در آینده فرا خواهد رسید که سرانجام قوم یهود عیسی را به عنوان مسیح خود خواهند شناخت و خواهند گفت، مبارک است کسی که به نام خداوند می‌آید.

و در آن زمان، آنها دوباره او را خواهند دید. او باز خواهد گشت. این به همه یهودیان در تاریخ اشاره ندارد، اما در نسل آخر، بسیاری از یهودیان به مسیح ایمان خواهند آورد.

و بسیاری به آن روی آورده‌اند، اما همچنین می‌گوید که مژده پادشاهی در میان همه ملت‌ها موعظه خواهد شد. خدا همه مردم را دوست دارد، اما او هرگز فراموش نکرده یا عشق خود را به مردمی که با آنها آغاز کرد از دست نداده است. مزمور ۱۱۸، باز هم، این نقل قول از سرود حلال است که در طول عید فصح خوانده می‌شود.

ما چیزهای زیادی در مورد حکیم بودن عیسی دیده‌ایم. عیسی همچنین یک پیامبر است. و شما صدای نبوت او را نیز در متی فصل ۲۳ شنیدید.

عیسی می‌گوید، تمام این خون بر گردن این نسل خواهد بود. و سپس می‌گوید، ببینید، خانه شما برای شما ویران گذاشته شده است. خب، منظور او چه نوع خانه‌ای بود؟ متن مشخص می‌کند که او در مورد کدام خانه و چه زمانی صحبت می‌کند.

عیسی در آیه ۳۷ برای اورشلیم سوگواری می‌کند، پیش از آنکه در آیه ۳۸ بگوید خانه‌اش ویران مانده است. او به طور خاص در آیات بعدی، ۲۴ آیات اول و دوم، وعده نابودی معبد را می‌دهد. عیسی معبد را ترک کرد و در حال دور شدن بود که شاگردانش به او نزدیک شدند و به ساختمان‌ها اشاره کردند و گفتند: ببینید این ساختمان‌ها چقدر باشکوه هستند.

در واقع، این باشکوه‌ترین ساختمان در کل دنیای روم بود. و هیچ چیز نمی‌توانست با آن مقایسه شود. معبد آرتمیس افسس یکی از عجایب هفتگانه دنیای باستان بود.

معبد اورشلیم اینطور نبود. این فقط به دلیل یهودستیزی در امپراتوری روم بود، زیرا این معبد از معبد آرتمیس افسس باشکوه‌تر بود. اما عیسی به طرز تکان‌دهنده‌ای پاسخ داد.

عیسی گفت شما همه این چیزها را می‌بینید. من به شما حقیقت را می‌گویم. هیچ سنگی از اینجا روی سنگ دیگری باقی نخواهد ماند.

هر سنگی به پایین پرتاب خواهد شد. این معبد به خاطر زیبایی‌اش در سراسر جهان مشهور بود. این معبد از هر معبد دیگری در دنیای باستان بزرگتر و ثروتمندتر بود.

این مکان مقدس‌ترین مکان و مقدس‌ترین شهر جهان بود. برای برخی از یهودیان، به عنوان مثال، در نامه آریستئاس، معبد شکست‌ناپذیر تلقی می‌شد. مکابیان چهارم، اثر یهودی دیگری که به زبان یونانی از دیاسپورا، احتمالاً از اسکندریه، نوشته شده است، می‌گوید که خدا از این معبد دفاع خواهد کرد.

یهودیان انتظار داشتند که خدا از این معبد دفاع کند، درست همانطور که پیامبران در معبد آخرین می‌گفتند خدا از این معبد دفاع خواهد کرد. عیسی می‌گوید که این معبد ویران خواهد شد. برخی از مردم به این حرف اعتقاد داشتند، اما تعدادشان زیاد نبود.

سپس شاگردان دو سوال پرسیدند. خود کوه معبد را می‌توان مانند یک قلعه در نظر گرفت و آن درون اورشلیم بود که دیوارهایی نیز داشت. سپس شاگردان دو سوال پرسیدند.

این اتفاقات چه زمانی رخ خواهد داد؟ و نشانه آمدن تو و پایان عصر چه خواهد بود؟ از نظر دستوری، ما در اینجا دو سوال داریم. در انجیل مرقس دقیقاً به این شکل بیان نشده است. ممکن است مرقس قبل از تخریب معبد این را نوشته باشد.

متی می‌خواهد این موضوع روشن باشد، احتمالاً پس از تخریب معبد نوشته است. متی می‌خواهد کلمات واضح باشند. پیامبران در عهد عتیق گاهی اوقات وقایع را بر اساس نوع آنها با هم ترکیب می‌کردند.

بنابراین، در کتاب یوئیل، در دو باب اول، با آفت ملخ مواجه هستیم که شبیه یک ارتش مهاجم است. در باب سوم، با ارتشی مواجه هستیم که ظاهراً در زمان پایان است، اما در هر دو از زبان مشابهی استفاده شده است زیرا این آفت ملخ، داوری نزدیک‌تری است که منشوری را فراهم می‌کند که از طریق آن یوئیل می‌تواند از روز خداوند، که واقعاً از آن صحبت می‌کند، یعنی روز داوری خدا، صحبت کند. روزهایی از داوری خدا در طول تاریخ وجود داشته است، اما آنها روز نهایی داوری را پیش‌بینی می‌کردند.

شاگردان دو سوال پرسیدند. سوال اول، این اتفاقات چه زمانی رخ خواهد داد؟ خب، عیسی همین الان گفت می‌بینید که همه این اتفاقات، سنگی روی سنگ دیگر باقی نخواهد ماند. پس این اتفاقات چه زمانی رخ خواهد داد؟ معبد چه زمانی ویران خواهد شد؟ او باید به این سوال پاسخ دهد.

او همچنین در حال پاسخ دادن به سؤال دیگری است، نشانه آمدن تو و پایان عصر. ویرانی معبد، آن عمل شنیعی که باعث ویرانی در مکان مقدسی می‌شود که او در سال ۲۴۱۵ مشخص خواهد کرد. در این زمینه، او درباره فرار به کوه‌ها و غیره صحبت خواهد کرد.

او همچنین قرار است در مورد تحقق این امور در طول یک نسل صحبت کند. آیا معبد در طول یک نسل، نابود شد؟ بله، نابود شد. تقریباً ۴۰ سال پس از اینکه عیسی این را گفت، که در گاهشماری کتاب مقدس، مدت زمان معمول یک نسل بود.

نشانه‌های پایان. اول، عیسی نشانه‌های غیرمهم را بیان می‌کند. سپس آنچه را که واقعاً پیش‌نیاز پایان است. بیان می‌کند.

شما این چیزها را خواهید دید. پایان هنوز نرسیده است، اما وقتی مژده پادشاهی موعظه شود، آنگاه پایان فرا خواهد رسید. اما او آنها را نشانه نمی‌نامد.

و در نهایت، او می‌گوید، و او در مورد تخریب معبد و غیره صحبت کرده است، اما در نهایت چیزی می‌گوید که آن را نشانه نمی‌نامد. وقتی نشانه پسر انسان را می‌بینید که با قدرت و جلال عظیم در ابرها می‌آید. به عبارت دیگر، اگر منتظر نشانه هستید، آنقدر صبر خواهید کرد که خیلی دیر شده باشد.

بنابراین، او نوعی نشانه‌های پایان و همچنین نشانه‌های غیرنشانه‌ای و سپس نشانه واقعی را ارائه می‌دهد. بنابراین، با نابودی معبد، این چیزها در عرض یک نسل محقق خواهند شد. عیسی گفت با ورود عیسی به پایان عصر، هیچ کس روز و ساعت را نمی‌داند، حتی خورشید و فرشتگان در آسمان، جز پدر.

ویرانی معبد. عیسی می‌گوید، خانه شما در این نسل، که در انجیل متی همیشه نسلی بود که در آن زمان زنده بود، برای شما ویران خواهد ماند. اینجا صحبت از نسل نهایی آینده نیست.

این به آن معنا نیست که این اتفاق دوباره می‌تواند رخ دهد. اگر معبد دوباره ساخته شود، ممکن است دوباره ویران شود. بلکه به این معناست که آنچه عیسی به طور خاص در اینجا پیشگویی می‌کند، همانطور که گفته بود، در آن نسل محقق شده است.

سپس او از هتک حرمت معبد صحبت می‌کند که آن را متروک می‌کند. بنابراین، به آن هتک حرمت شده و ویران شده است. معبد در عرض یک نسل، دقیقاً ۴۰ سال، اگر تاریخ صحبت عیسی را درست بدانیم، ویران شد، احتمالاً دقیقاً، اگر نه دقیقاً، تقریباً نزدیک به و کمی کمتر از، اما حدود ۴۰ سال پس از پیش‌بینی عیسی.

این موضوع از این نظر غیرمعمول نبود که هر زمان اسرائیل گناه می‌کرد، خدا اجازه می‌داد معبد مورد بی‌حرمتی یا تخریب قرار گیرد. این اتفاق در زمان بابلی‌ها رخ داد. این اتفاق در زمان آنتیوخوس اپیفانس در حدود سال ۱۶۵ قبل از میلاد، قرن دوم قبل از میلاد، رخ داد.

این بنا توسط پمپی، ژنرال رومی در قرن اول پیش از میلاد، مورد بی‌حرمتی قرار گرفت. در قرن اول میلادی توسط رومیان ویران شد. در سال ۱۳۵ میلادی، در زمان هادریان، رومیان آن را بیشتر بی‌حرمت کردند.

و برخی افراد از موارد دیگری نیز دفاع می‌کنند. وقتی اسرائیل گناه کرد، معبد ویران شد، مورد بی‌حرمتی قرار گرفت، یا هر دو. و پیش‌بینی عیسی مطمئناً معتبر است.

این به کرات تایید شده است. با سایر مواردی که عیسی درباره آنها صحبت کرده است، همخوانی دارد. عیسی در معبد حکمی صادر کرد، نه فقط شکستن یک دیگ، بلکه واژگون کردن میزها.

همچنین، شهادت دروغ علیه او. خب، چه کسی قرار بود شهادت دروغ بدهد؟ اما برخی افراد شهادت تحریف‌شده‌ای داشتند مبنی بر اینکه او گفته است معبد را ویران خواهد کرد. و شما چیزی شبیه به این را

در انجیل یوحنا دارید که عیسی چیزی شبیه به آن می گوید، اما او می گوید، شما معبد را ویران کردید، من آن را برپا خواهم کرد.

اما او درباره معبد بدنش صحبت می کرد. اما افرادی بودند که انتظار معبد جدیدی را داشتند. حتی برخی از افرادی که انتظار نداشتند معبد قدیمی نابود شود، انتظار داشتند که آن معبد تغییر شکل دهد.

همچنین، این در انجیل مرقس است. این مربوط به یک نسل قبل از تخریب معبد و حتی مطالب قدیمی تر از انجیل مرقس است، زیرا خانه شما متروک مانده است، این بخشی از مطالب مشترک بین متی و لوقا می نامند Q است، احتمالاً از چیزی که محققان اغلب برای کسانی از ما که به آن اعتقاد داریم، آن را مسیحیان یهودی به عبادت در معبد ادامه دادند.

آنها خودشان چنین ضرب المثلی نمی ساختند. و چند نفر دیگر هم بودند که بصیرت تشخیص این را داشتند. که این اتفاق خواهد افتاد. یوشع بن حننیا، در جنگ یوسف، کتاب ششم، پاراگراف های ۳۰۰ و بعد از آن.

عیسی، پسر حننیا، یوشع بن حننیا، می گفت: وای بر معبد، وای بر اورشلیم. او به همین دلیل توسط مقامات معبد که از به چالش کشیده شدن خوششان نمی آمد و پیشگویی های مربوط به داوری را بیش از آنچه در زمان ارمیا یا در زمان عیسی بود، دوست نداشتند، دستگیر شد. او دستگیر شد، به فرماندار رومی تحویل داده شد و به گفته یوسفوس، آنقدر کتک خورد تا استخوان هایش نمایان شد.

عهد لاوی، ۱۵. معبد به دلیل ناپاکی کاهن ویران می شد. همچنین، عهد موسی، ۶، که به احتمال زیاد مربوط به پیش از مسیحیت است زیرا تا این حد پیش نمی رود.

گفته می شود که فقط بخشی از معبد سوزانده خواهد شد، اما از سوختن بخشی از معبد صحبت می کند. و همچنین، برخی از پیشگوییان سیبلین ممکن است از چیزی شبیه به این صحبت کنند. همچنین انتظار گسترده ای از یک معبد جدید در کتاب خنوخ اول، طومار معبد قمران و در دعای معمول، آمیدا، وجود داشته است.

همچنین، در طومارهای دریای مرده، در کتاب حبقوق پشر، قوم کتیم ثروت کاهنان اورشلیم را غارت خواهند کرد. این خیلی قبل از سال ۷۰ میلادی بود. آنها انتظار داوری بر سر تأسیس معبد را داشتند.

اینجا کمی اغراق وجود دارد. عیسی می گوید، حتی یک سنگ هم روی سنگ دیگر باقی نخواهد ماند. تعدادی سنگ در دیوار حائل باقی مانده بود، که از نظر فنی از خود معبد نبودند، اما چون تعدادی سنگ باقی مانده بود، بعید است که مردم این را از خودشان ساخته باشند.

عیسی در اینجا درباره نابودی با آتش صحبت نمی کند، اگرچه در مثلی که در متی ۲۲ آمده است، این کار را می کند. و باز هم، برخی از محققان می گویند، خوب، اگر شما آن را بعد از وقوع می ساختید، احتمالاً این جزئیات را ذکر می کردید و نه آن جزئیات را. بنابراین، عیسی در اینجا از زبان پیامبران عهد عتیق استفاده می کند.

اما حتی بعدها، خاخام ها تخریب معبد را به داوری نسبت دادند. عیسی در این مورد تنها نبود. او فقط از خاخام هایی که پس از وقوع، آن را تشخیص دادند، وقت شناس تر بود.

در این زمینه، عیسی می‌گوید وقتی هتک حرمتی را می‌بینید که منجر به نابودی می‌شود، فرار کنید. مانند خون هابیل و زکریا، نردبان‌های معبد، خونریزی، داوری را به دنبال داشت. و در سال ۶۶، یوسفوس به ما می‌گوید که میهن‌پرستان یهودی کاهنان را در معبد قتل عام کردند.

یوسفوس آن را به عنوان عملی شنیع که ویرانی به بار آورد توصیف می‌کند. یوسفوس در این مدت زنده بود. او در این جنگ شرکت داشت.

یوسفوس فکر می‌کند که این همان عمل شنیعی بود که ویرانی به بار آورد. سه سال و نیم بعد، پس از آن عمل شنیع، معبد در واقع ویران شد. خب، قرار است در مورد هشدارهای عیسی برای فرار در آن زمان بیشتر ببینیم.

و همچنین خواهیم دید که عیسی در ادامه درباره داوری چه گفت، نه تنها درباره نهادهای مذهبی زمان خود بلکه درباره بازگشت دوباره خود نیز چگونه صحبت می‌کند.

این دکتر کریگ کینر است که در حال تدریس در مورد کتاب متی است. این جلسه ۱۶، متی ۲۳-۲۴ است.